

بررسی پایگاه اجتماعی هیأت دولت در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۰ - ۱۳۹۸)

ملیحه رضانی*
یحیی فوزی** رفوف رحیمی***

چکیده

در این مقاله ویژگی‌های هیأت وزیران و رؤسای دولت‌های جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۶۰ تا پایان خرداد ۱۳۹۸ بررسی، (در این مدت مجموعاً ۵ رئیس دولت و ۲۶۲ وزیر عهده‌دار امور اجرایی کشور به‌منظور اتخاذ تصمیمات کلان و راهبردی بودند) و به این سؤالات پاسخ داده شده است که نخبگان حاکم در ایران در هر دوره از چه منزلت اجتماعی (سواد، تخصص و طبقه اجتماعی) برخوردار بودند؟ و مرتبط با کدام طبقه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بوده‌اند؟ و این پایگاه اجتماعی کارگزاران دچار چه تحولی شده است؟ روش تحقیق در این مقاله، روش اسنادی با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و میدانی و مصاحبه، استخراج مطالب از آرشیو و سایت‌ها و تحلیل آنها است. یافته‌های این پژوهش اطلاعات مناسبی را در خصوص تجربه و سابقه وزارت، سن، جنسیت، میزان و سطح تحصیلات، نوع ارتباط رشته تخصصی و حوزه مدیریتی آنها، محل تحصیل، شغل و منبع درآمدی آنان، شغل پدر و منشا خانوادگی و طبقاتی نخبگان سیاسی ایران، بررسی محل تولد و محیط رشد و سکونت و همچنین خاستگاه قومیتی در اختیار محققان برای

*دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان و مدرس دانشگاه (نویسنده مسئول) ramezani_965@yahoo.com

**استاد علوم سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. yahyafozi@yahoo.com

***استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بجنورد. rahimirauf.phd@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۴/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۱



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies).
This is an Open Access article distributed under the terms of the **Creative Commons Attribution 4.0 International**, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

تحلیل چرایی ضعف‌ها و قوت‌های دولت و کارآمدی آن در پیشبرد امور و منافع ملی قرار می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: نخبگان، پایگاه اجتماعی، طبقه، تصمیم‌گیری، هیأت وزیران.

۱. مقدمه

یکی از عوامل مهم و اساسی در ارتباط با کارآمدی نظام‌های سیاسی و تحولات مرتبط با آینده آن، بحث نخبگان و تصمیم‌گیرندگان و یا به عبارتی کارگزاران است که در سطوح گوناگون مدیریت به ایفای نقش و اتخاذ تصمیمات راهبردی و استراتژیک می‌پردازند. به عبارتی یکی از عوامل و شاخصه‌های مهم توسعه یافتگی در هر کشوری مرتبط با نوع نگرش و عملکرد نخبگان و تصمیم‌گیرندگان آن در سطوح گوناگون است. با توجه به اهمیتی که نخبگان و تصمیم‌گیرندگان در هر حکومت و ساختار سیاسی ایفا می‌نمایند، مطالعه و تحقیق درباره ویژگی‌های آنها از جمله سطح تجربه، تخصص و تحصیلات و همچنین منشأ و پایگاه اجتماعی و اقتصادی آنان، از اساسی‌ترین تحقیقات در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی است. همچنین سطح توانمندی تخصصی افراد نیز می‌تواند میزان شایستگی و صلاحیت آنها را برای مدیریت امور تعیین نماید. در واقع پایگاه اجتماعی از آن جایی که در طول زندگی افراد همواره با آنان بوده و شکل‌دهنده شخصیت افراد است، نقش مهمی در اتخاذ تصمیم‌گیری و رویکردهای کلان نخبگان دارد.

در این راستا در این مقاله تلاش شده است تا به بررسی ویژگی‌های هیأت وزیران و رؤسای دولت‌های جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۶۰ تا کنون (پایان خرداد ۱۳۹۸) در ۱۰ دوره بعد از انقلاب اسلامی ایران بپردازیم تا براساس آن بتوان ارزیابی مناسبی از توانمندی مدیران عالی جمهوری اسلامی طی چهاردهه گذشته داشته و به کمک آن تحلیل درستی از دلایل ضعف‌ها و قوت‌های دولت و کارآمدی آن در پیشبرد امور و منافع ملی داشته باشیم. لازم به ذکر است که هدف اصلی این مقاله، بررسی و تجزیه و تحلیل پایگاه اجتماعی و شاخصه‌های مربوط به آن در دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی به منظور دستیابی به درک صحیح از موقعیت نخبگان سیاسی ایران از لحاظ جایگاه اجتماعی آنان است به همین دلیل و با توجه به گستردگی مطالب و طولانی بودن زمان مورد مطالعه، بررسی آثار و پیامدهای پایگاه اجتماعی اعضای دولت در حیطه تصمیم‌گیری و سیاست‌های اعمالی، هدف بررسی این مقاله نبوده، لذا بررسی این امر نیازمند کار تحقیقی دیگری در این رابطه است.

براین اساس این پژوهش بدنبال پاسخ به این سؤالات است که نخبگان حاکم در ایران در هر دوره از چه منزلت اجتماعی مانند سواد، تخصص و طبقه اجتماعی برخوردار بودند؟ و آنها را مرتبط با چه طبقه اجتماعی اقتصادی و فرهنگی باید دانست؟ و در دوره های مختلف این پایگاه اجتماعی کارگزاران دچار چه تحولی شده است؟

روش تحقیق در این مقاله، روش اسنادی است. این روش مستلزم جستجوی توصیفی و تفسیری در اسناد و مدارک و متون است و محقق تلاش می کند در مطالعات میان دامنه یا بلند دامنه که امکان مشاهده مستقیم از پدیده را ندارد، از اسناد و مدارک استفاده کند و اسناد را بعنوان زبان مکتوب پذیرفته و مورد استناد قرار دهد. و در آن اسناد به منزله نوعی زبان و ابزار نگریسته می شوند که بازگوکننده واقعیت ها و پدیده هاست و پژوهشگر از طریق این اسناد و دسته بندی و ترتب تاریخی آنها به واقعیت می نگرد و تلاش می کند روند شکل گیری و یا تحول پدیده را مطالعه کرده و توصیف و تفسیر عینی و واقعی از آن را ارائه دهد. براین اساس گردآوری، دسته بندی و تحلیل داده ها می تواند در شناخت پدیده مورد مطالعه کمک کننده باشد و در نهایت می تواند فهمی بین‌الذهانی از ابعاد و ویژگی آن را ارائه کرده و عینیت بخشد و لذا در این پژوهش باگرد آوری داده های کتابخانه ای و میدانی و مصاحبه، استخراج مطالب از آرشیو و سایت ها و تحلیل آنها به بررسی ویژگی ها و پایگاه اجتماعی نخبگان دولت ها که در این مقاله منظور وزراء و رؤسای کابینه ها می باشند، می پردازیم. همچنین در جمع آوری اطلاعات از سایت نهاد ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، سایت های شخصی وزرا و... استفاده شده است. نکته مهم و اساسی که باید به آن اشاره نمود این است که با توجه به ناقص بودن اطلاعات موجود در سایت ها و مطالب تلاش شد از طریق تماس و مذاکره با اکثریت وزرای هر یک از این دوره ها اطلاعات مورد نیاز را به دست آورده و به تحلیل داده ها پردازیم.

۲. بحث نظری

کارگزاران و نخبگان سیاسی نقش مهمی در تحولات سیاسی و اجتماعی جوامع ایفا می کنند بطوریکه نقش آنها در توسعه یافتگی و عدم توسعه جوامع همواره مورد بحث محققان بوده است که در مورد آن و چگونگی این تأثیر گذاری مباحث مختلفی توسط محققان مطرح شده است. برخی محققان نقش این عوامل را برجسته تر از عوامل ساختاری دانسته و یا اینکه بر نوعی تعامل بین عوامل ساختاری و ارادی اعتقاد دارند. در خصوص ویژگی نخبگان سیاسی مباحث متعددی مطرح شده است؛ یکی از این مباحث

بافت اجتماعی و تخصصی کارگزاران سیاسی است که می توان آن را ذیل مفهوم پایگاه اجتماعی قرارداد. اصولاً پایگاه اجتماعی (Social Status) به تفاوت های میان گروه های اجتماعی از نظر احترام و یا اعتبار اجتماعی که دیگران برای آنها قائل هستند، اطلاق می شود (گیدنز، ۱۳۷۶: ۲۲۶). به بیان دیگر پایگاه اجتماعی مرتبه و منزلتی است که افراد بر اساس میزان برخورداری از عناصر ارزشمند اجتماعی در جامعه کسب می کنند، جامعه شناسان، طبقات و اقشار اجتماعی را بر اساس میزان دستیابی آنها به منزلت ها و امتیازات خاصی همچون سطح سواد و تخصص، شهرنشینی، درآمد و پرستیژ اجتماعی و... از یکدیگر متمایز می سازند و لذا شاخص های گوناگونی را برای تعیین پایگاه اجتماعی مشخص کرده اند که مهمترین آنها شغل، درآمد و آموزش است علاوه بر این شاخصهای بنیادی، دیگر شاخص های پایگاه طبقه ای افراد عبارتند از: جنس، محل سکونت، پرستیژ، زمینه خانوادگی و سن که شناخت آنها می تواند پایگاه اجتماعی کارگزاران را تحلیل کند.

به عبارتی پژوهش در خصوص پایگاه اجتماعی کارگزاران از موضوعات مهم جامعه شناسی سیاسی و مبتنی بر فرض ارتباط جامعه و سیاست است که بر آن اساس ارتباط تنگاتنگی بین نخبگان سیاسی و اقشار و طبقات اجتماعی وجود دارد و با توجه به تقسیم بندی های مختلفی همچون تقسیم جامعه به طبقات بالا، متوسط و پائین و یا سنتی و مدرن و... و همچنین با توجه به ارتباط سیاست و جامعه باید نوع رابطه کارگزاران سیاسی را با این طبقات و شئون اجتماعی تحلیل کرد تا بتوان از یکسو به شناخت ماهیت اجتماعی سیاسی دولت و عرصه قدرت سیاسی دست یافت و از سوی دیگر رابطه نخبگان سیاسی را با جامعه تحلیل کرد تا بتوان به فهم مناسبی از دلایل ضعف و قوتها ی کارگزاران دست یافت. بطوریکه از این طریق می توان به شناخت پایگاه اجتماعی کلید فهم ماهیت نخبگان سیاسی و تبیین دستگاه قدرت حکومت و فهم پایگاه اجتماعی نخبگان حاکم و تبیین چرایی و چگونگی عملکرد نخبگان دست یافت.

براساس پژوهشهای مختلف انجام شده، عوامل مذکور نقش مهمی در کارآمدی و یا ضعف کارآمدی کارگزاران و مدیران سیاسی و پیشبرد امور دارند. مثلاً همواره محققان بر ارتباط همسویی تخصص مدیران با هدفهای سازمان تاکید کرده اند. بررسیها حکایت از آن دارد که مدیران متخصص در پیشبرد هدفهای سازمانی موفقتر عمل می کنند. بیشتر این محققان تخصص را به عنوان یکی از مهم ترین شاخصهای تعیین کننده کاردانی مدیر معرفی می کنند (روانشاد و دیگران، ۱۳۷۲). (رسول زاده،

۱۳۷۸) لذا پژوهش اکتشافی درخصوص میزان تحصیلات و رشته تحصیلی و محل تحصیل و نسبت سنجی حوزه تخصص با تحصیلات مدیران از اهمیت خاصی برخوردار است.

تجربه مدیریتی یکی دیگر از مولفه های مهم در تحلیل عوامل مؤثر بر کارآمدی مدیران است و لذا یافتن سوابق مدیریتی مرتبط با حوزه کاری فعلی آنها می تواند در تحلیل علل ضعف ها و قوت ها راهگشا باشد. همچنین در مورد نقش سن بر کارایی مدیران مباحث مختلفی مطرح شده است هرچند برخی محققان معتقدند که کارآیی شغلی با افزایش سن کاهش می یابد. هرچند مدیران مسن تر از تجربه بیشتری برخوردارند اما بهر حال بهره وری با افزایش سن کاهش پیدا می کند. و توانایی های فردی، علمی الخصوص سرعت، چالاکی، قدرت و هماهنگی، با گذشت زمان تحلیل رفته و خستگی شغلی و نبود نشاط فکری در نهایت به کاهش بهره وری منجر می شود.

درخصوص جنسیت مدیران مباحثی مثل موضوع کارآیی بیشتر مردان یا زنان در محل کار، باعث بحث و مجادله، و ارائه نظرات مختلفی شده هرچند توجه بیشتر به مسئولیت های خانوادگی و فرزندان توسط زنان می تواند موانعی را برای کارآمدی مدیریت زنان ایجاد کند اما پژوهشهای جدید نشان می دهد زنان و مردان از نظر توانایی حل مساله، مهارت های تحلیلی، محرک رقابتی، انگیزش، اجتماعی بودن یا توانایی یادگیری، با یکدیگر تفاوت چندانی ندارند هرچند مطالعات روانشناسی نشان داده که زنان بیش از مردان از قدرت حاکمه تبعیت می کنند و قانونمند ترند. (رفتار سازمانی رابینز مهدی زارع جلد ۱، استیفن رابینز، تیموتی جاج، ترجمه مهدی زارع). یکی از مباحث مهم در ارتباط با نخبگان سیاسی وابستگی آنها به طبقات اقتصادی خاص است. برخی متفکران همچون نظریه پردازان مارکسیستی از ارتباط نخبگان با طبقات خاص سخن گفته اند و طبقه حاکم سیاسی را برآمده از طبقه اقتصادی و مرتبط با آن دانسته که منافع آنها را تامین می کنند و در مقابل برخی دیگر همچون نظریه پردازان الیتسم، منشا رشد کارگزاران حکومتی را عواملی همچون ویژگی های شخصیتی و عقلانی می دانند. اما علیرغم این دورویکرد، باید گفت که وابستگی های طبقاتی همچون وابستگی به طبقات بالا، متوسط و پائین می تواند در نوع نگرش و رویکرد و کارآمدی مدیران درپیش بر اهداف خاص مؤثر باشد و لذا تعیین منابع درآمدی، شغل و شغل پدران این کارگزاران در این ارتباط نشانه های مناسبی برای تحلیل علقه های طبقاتی و تحلیلی عملکردی آنها می تواند باشد.

براین اساس در این پژوهش با رویکردی اکتشافی به مطالعه پایگاه اجتماعی و به صورت خاص به مطالعه ویژگی های تخصصی کارگزاران سیاسی همچون: میزان و سطح تحصیلات، نوع ارتباط رشته تخصصی و حوزه مدیریتی آنها، کیفیت تخصصی و همچنین بافت اجتماعی اقتصادی شامل: شغل و منابع درآمدی مدیران و خانواده آنها، سن، جنسیت و تعلقات قومی خواهیم پرداخت.

۳. بررسی ویژگی ها و پایگاه اجتماعی هیأت دولت جمهوری اسلامی ایران

با توجه به کوتاه بودن عمر دولت های اول و دوم بعد انقلاب و عدم وجود ثبات کافی در شرایط کشور با توجه به حاکم بودن شرایط انقلابی و تغییرات مداوم، در این مقاله به مطالعه دولتها در ایران در سالهای ۱۳۶۰ تا پایان خرداد ۱۳۹۸ پرداخته شده است. طی این مدت پنج رئیس جمهور: آیت الله خامنه ای (در این دوره میر حسین موسوی به عنوان نخست وزیر مسئول اداره امور اجرایی کشور بوده است)، هاشمی رفسنجانی، محمد خاتمی، محمود احمدی نژاد و حسن روحانی) هر یک به مدت ۸ سال به قدرت رسیده و تشکیل دولت داده اند. به عبارتی رؤسای دولت ها و هیأت وزیران تحت عنوان، هیأت دولت مورد بررسی قرار گرفته که با توجه به زیاد بودن تعداد و دامنه افراد مورد بررسی تنها به مطالعه وزراء اکتفا شده و سایر موارد از جمله معاونین و مشاوران و دیگر اعضای دولت ها و ... شامل این بررسی نمی باشد که در مطالعه این دولتها یافته های زیر بدست آمده است:

۳-۱. تعداد وزراء و تغییرات کابینه ها

در این مدت مجموع ۲۶۲ وزیر در رأس وزارتخانه ها به اداره امور و اتخاذ تصمیمات راهبردی پرداخته اند که در جدول زیر آمده است:

جدول شماره ۱: بررسی تعداد وزرا و تغییرات صورت گرفته در ترکیب کابینه های بعد از انقلاب

دولت	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	نهم	دهم	یازدهم	دوازدهم	جمع
تعداد وزراء	۳۴	۲۷	۲۵	۲۴	۲۷	۲۴	۳۱	۲۶	۲۲	۲۲	۲۶۲
تعداد وزرای تغییر یافته	۱۲	۵	۲	۱	۶	۴	۱۰	۹	۴	۵	۵۸
درصد تغییرات	۲۹/۳۵	۱۸/۵۱	۸	۴/۱	۲۲/۲۲	۱۶/۶	۳۲/۲۵	۳۴/۶۱	۱۸/۸	۱۹/۰۴	-

این تعداد شامل همه تغییر و تحولات صورت گرفته در هر دولت است که بر اساس آن می توان گفت دولت سوم بیشترین میزان تغییر و تحولات در سطح هیأت وزیران را داشته است. که از جمله دلایل این امر می توان به وجود فضای انقلابی، حاکم بودن شرایط جنگی و تغییرات مداوم در وزارتخانه ها اشاره کرد اما به تدریج و با تثبیت هر چه بیشتر شرایط سیاسی - اجتماعی کشور ، شاهد ثبات بیشتری در این رابطه هستیم. بعد از دولت سوم بیشترین میزان تغییر و تحولات مربوط به دولت های نهم و دهم در دوره ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد است که معتقد به لزوم تغییر نخبگان حاکم در فضای سیاسی کشور بود.

۳-۲. تجربه وزارت

جدول زیر تعداد دفعات حضور وزرا در ترکیب دولت های بعد از انقلاب را نشان می دهد:

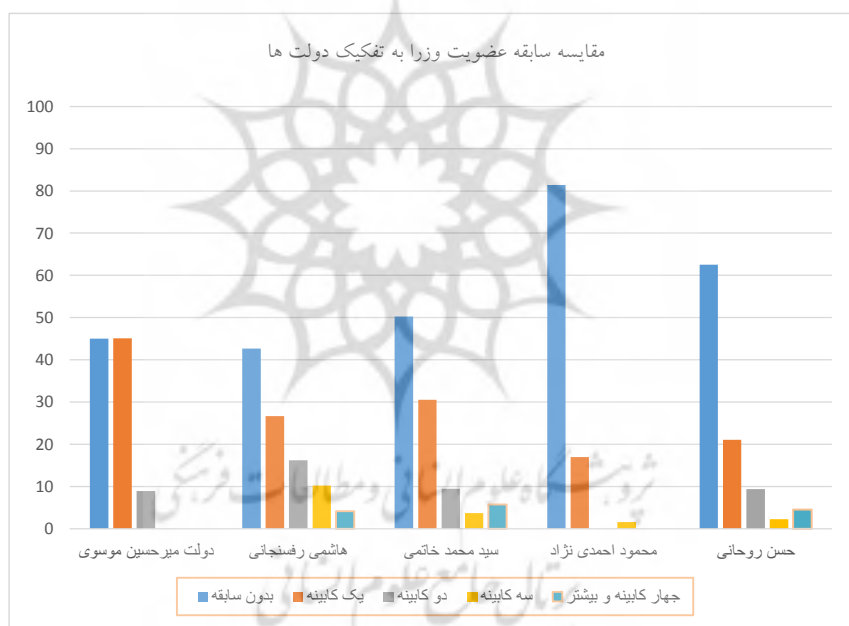
جدول شماره ۲: مقایسه سابقه عضویت وزرا در کابینه های بعد از انقلاب

دولت ها سابقه عضویت	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	نهم	دهم	یازدهم	دوازدهم	جمع
بدون سابقه	۱۹	۱۰	۱۳	۸	۱۷	۹	۲۹	۱۸	۱۶	۱۲	۱۵۱
یک کابینه	۱۵	۱۲	۵	۸	۳	۱۲	۱	۸	۳	۶	۷۳
دو کابینه	-	۵	۵	۳	۴	۱	-	-	۱	۳	۲۲
سه کابینه	-	-	۲	۳	۱	۱	-	-	۱	-	۹
چهار کابینه	-	-	-	۲	۲	-	-	-	-	-	۴
پنج کابینه	-	-	-	-	-	۱	-	-	-	-	۱
شش کابینه	-	-	-	-	-	-	-	-	۱	-	۱
هفت کابینه	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱	۱

براساس جدول بالا در کابینه میرحسین موسوی (دولت های سوم و چهارم در مجموع ۴۵/۰۷ درصد وزرا سابقه عضویت در یک کابینه داشته اند. در دولت هاشمی

رفسنجانی (دولت های پنجم و ششم)، ۲۶/۶۶ درصد سابقه عضویت در یک کابینه، ۱۶/۲۵ درصد سابقه عضویت در دو کابینه و ۱۰/۲۵ درصد عضویت در سه کابینه و ۸/۳۳ درصد عضویت در چهار کابینه داشته اند. در دولت های هفتم و هشتم (سید محمد خاتمی)، ۳۰/۵۵ درصد وزرا سابقه عضویت در یک کابینه ۹/۴۸ درصد عضویت در دو کابینه، ۵/۷۸ عضویت در سه کابینه و ۳/۰۷ درصد عضویت در چهار کابینه و ۲/۰۸ درصد عضویت در پنج کابینه داشته اند. در دولت های محمود احمدی نژاد و حسن روحانی تعداد و درصد وزرایی که سابقه عضویت در کابینه ها نداشته اند بیشتر است.

در نمودار زیر میانگین و درصد حضور و سابقه وزرا در دولت های بعد از انقلاب به تفکیک رؤسای جمهور نشان داده شده است:



براساس نمودار بالا در دولت های محمود احمدی نژاد و حسن روحانی تعداد و درصد وزرایی که سابقه عضویت در کابینه ها نداشته اند بیشتر است که اوج این روند در دولت نهم است. در این دولت بیشتر از وزرایی در ترکیب دولت استفاده شده که سابقه عضویت در کابینه های بعد از انقلاب اسلامی را نداشته اند؛ در این دوره ۹۳/۵۴ درصد از وزرا برای اولین بار مسئولیت هدایت وزارتخانه ها را بر عهده گرفته اند، این میزان بالاترین درصد از نظر استفاده از نیروهای فاقد تجربه وزارت در کابینه ها در سالهای

بعد از انقلاب است.. در دولت یازدهم هرچند اندکی این روند کاهش پیدا کرد اما در این دوره نیز ۶۹/۲۳ درصد وزرا برای اولین بار به وزارت رسیده و ۳۰/۷۶ درصد نیز سابقه حضور تنها در یک کابینه را داشته اند. پس از آن بالاترین میزان عدم سابقه عضویت در کابینه ها مربوط به دولت سوم میرحسین موسوی است که ۵۴/۲۸ درصد وزرا سابقه فعالیت و حضور در وزرات را نداشته اند و تنها ۴۴/۱۱ سابقه حضور در یک کابینه را داشته اند.

۳-۳: مقایسه سنی هیأت دولت جمهوری اسلامی ایران

یکی از شاخصه های تعیین و بررسی پایگاه اجتماعی، سن افراد است. موقعیت سنی افراد و اینکه در کدام مقطع از زندگی خود هستند، نقش مهمی در نوع نگرش آنان به مسائل دارد، افراد جوان دارای نگرش متفاوت نسبت به افراد میانسال و مسن هستند، در واقع گرایش به دیدگاه های رادیکال در جوانان بیشتر بوده و با گذشت زمان علاقه به محافظه کاری و میانه روی در افراد بیشتر می شود. بنابراین این عامل نقش مهمی در نحوه اتخاذ تصمیم گیری و اداره امور دارد. همچنین تصور عمومی بر این است که کارآیی شغلی با افزایش سن کاهش می یابد و توانایی های فردی، علی الخصوص سرعت، چالاکی، قدرت و هماهنگی، با گذشت زمان تحلیل رفته و خستگی شغلی و نبود نشاط فکری در نهایت به کاهش بهره وری منجر می شود (استیفن رابینز، رفتار سازمانی، ترجمه مهدی زارع). در ادامه ابتدا موقعیت سنی رؤسای جمهور ایران را مورد بررسی قرار می دهیم و سپس به بررسی و مقایسه سن هیأت وزیران در هر یک از دولت های مذکور می پردازیم:

از بین پنج رئیس دولت ایران میرحسین موسوی (۴۰ سال در دولت سوم و ۴۴ سال در دولت چهارم)، علی اکبر هاشمی رفسنجانی (۵۵ سال در دولت پنجم و ۵۹ سال در دولت ششم)، سید محمد خاتمی (۵۴ سال در دولت هفتم و ۵۸ سال در دولت هشتم)، محمود احمدی نژاد (۴۹ سال در دولت نهم و ۵۳ سال در دولت دهم) و حسن روحانی (۶۵ سال در دولت یازدهم و ۶۹ سال در دولت دوازدهم) داشته اند. بر این اساس می توان گفت که جوان ترین رئیس دولت ایران میرحسین موسوی و مسن ترین حسن روحانی بوده است. از جمله دلایل این امر می توان گفت که در سالهای اولیه انقلاب به دلیل جوان بودن نیروی انقلاب افرادی که در رأس امور قرار داشتند نیز جوان بوده به تدریج و با گذشت زمان بر سن رجال سیاسی ایران افزوده گشت و

براساس آن افراد مسن و میانسال در مناصب مهم و کلیدی به منظور اتخاذ تصمیمات مهم و راهبردی قرار گرفتند. این امر در ارتباط با هیأت وزیران نیز صادق است. جدول زیر نشان دهنده موقعیت سنی هیأت وزیران در دولت های مختلف بعد از انقلاب است:

جدول شماره ۳: مقایسه موقعیت سنی هیأت وزیران ایران (۱۳۶۰ - ۱۳۹۸)

دولت توزیع سن	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	نهم	دهم	یازدهم	دوازدهم	جمع
۳۰ - ۳۴	۸	۵	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۳
۳۵ - ۳۹	۱۶	۱۰	۱۰	۳	۱	-	۱	-	-	۱	۴۲
۴۰ - ۴۴	۵	۵	۱۲	۱۰	۱۰	۲	۵	۴	-	-	۵۳
۴۵ - ۴۹	۵	۵	۲	۹	۱۲	۱۵	۱۳	۵	-	-	۶۶
۵۰ - ۵۴	-	-	۱	۲	۴	۵	۹	۱۱	۷	۴	۴۳
۵۵ - ۵۹	-	-	-	-	-	۲	۱	۳	۱۰	۶	۲۲
۶۰ - ۶۴	-	-	-	-	-	-	۱	۱	۳	۹	۱۴
۶۵ - ۶۹	-	-	-	-	-	-	۱	۲	۲	۲	۷
نامشخص	-	۲	-	-	-	-	-	-	-	-	۲

با توجه به داده های جدول بالا، جوان ترین کابینه، به ترتیب متعلق به کابینه سوم و چهارم مربوط به دوران نخست وزیری میر حسین موسوی است. بر این اساس می توان گفت ۶۷/۵۷ درصد وزرا در کابینه سوم و ۵۵/۵۵ درصد وزرا در کابینه چهارم در رده سنی بین ۳۰ تا ۳۹ سال قرار دارند. همان طور که قبلا به آن اشاره نموده ایم، از جمله دلایل این امر جوان بودن نیروهای انقلابی در سالهای اولیه انقلاب اسلامی ایران است. در واقع نخبگان انقلابی ما در دهه های اولیه انقلاب بیشتر از نسل جوان و دارای شور و هیجان انقلابی بوده اند. این میزان در دولت اول هاشمی رفسنجانی به ۴۰ درصد و دولت ششم به ۱۲/۵ درصد رسید و در دولت های بعدی این درصد به صفر و یا نزدیک به صفر درصد رسید.

همچنین در دولت های سوم و چهارم به ترتیب ۲۸/۵۷ و ۳۷/۰۳ درصد وزرا در رده های سنی بین ۴۰ - ۴۹ (میانسالی) قرار داشتند. این میزان در دولت های پنجم و ششم به ترتیب ۵۶ و ۷۹/۱۶ درصد، دولت های هفتم و هشتم به ترتیب ۸۱/۴۸ و ۷۰/۸۳ درصد و در دولت های نهم و دهم به ترتیب ۵۸/۰۶ و ۳۴/۶۱ درصد بوده است. در دولت های یازدهم و دوازدهم هیچ یک از وزرا در این رده سنی قرار نداشتند. براین

اساس می توان گفت در دولت های هفتم و هشتم (دوران ریاست جمهوری سید محمد خاتمی) اکثریت وزرا میانسال بوده اند. بررسی جدول فوق نشان می دهد با گذشت زمان بر سن رجال و نخبگان سیاسی که در سالهای اولیه انقلاب در رده سنی جوانی قرار داشته اند، افزوده شده است. براساس داده های جدول فوق تعداد وزرایی که در رده سنی ۵۰ - ۶۹ سال قرار داشتند در بیشترین میزان به ترتیب مربوط به دولت های (یازدهم ۱۰۰ درصد و دوازدهم ۹۵/۴۵ درصد) و دولت نهم ۳۸/۷۰ و دهم ۶۵/۳۸ درصد بوده است. بدین ترتیب در یک جمع بندی می توان گفت دولت سوم جوان ترین دولت و دولت یازدهم مسن ترین دولت از لحاظ موقعیت سنی هیأت وزیران در طول تاریخ جمهوری اسلامی ایران بوده اند.

۳-۴. بررسی جنسیت هیأت دولت جمهوری اسلامی ایران

یکی از مباحث مهم و اساسی در سالهای بعد از انقلاب اسلامی در ارتباط با شرایط و ویژگی های لازم به منظور رسیدن به پست ریاست جمهوری است. اصل ۱۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این باره بیان می کند: رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد: ایرانی الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوی، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران). با توجه به اصل فوق و بند (۱) ماده ۳۵ قانون انتخابات ریاست جمهوری، رئیس جمهور باید از میان «رجال مذهبی و سیاسی» انتخاب شود. تردیدی نیست که «رجال»، از نظر لغوی به معنای مردان است و تاکنون برداشت غالب این بوده است که رئیس جمهور حتماً باید از میان مردان باشد. اما ظاهراً آنچه طبق سیره اسلامی و احیاناً برخی نصوص وارده مختص مردان است و زنان از آن محرومند، چیزی است که به ولایت تعبیر می شود که در این صورت زنان از تصدی این سمت محروم خواهند بود (رستمی و موسی پور، ۱۳۹۰: ۲۲۷). بر همین اساس و با توجه به این اصل از قانون اساسی در سالهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تمامی رؤسای دولت های جمهوری اسلامی ایران از بین مردان بوده اند. اما در ارتباط با وزرا این محدودیت وجود نداشته و برای اولین بار در دولت دهم یک زن در رأس یکی از وزارتخانه ها قرار گرفت. به غیر از این دولت، هیأت وزیران سایر دولت ها از بین مردان بوده اند و زنان شانس کمتری برای تصدی سمت ها و مسئولیت های مهم در سطح سطوح کلان مدیریتی را داشته اند.

۳-۵. سطح تحصیلات اعضا هیأت دولت جمهوری اسلامی ایران

معلومات و دانش هیأت حاکمه یکی دیگر از معیارهایی است که به اعتقاد جامعه شناسان از اهمیت زیادی در تعیین پایگاه اجتماعی افراد برخوردار است. اهمیت این موضوع از آن جهت است که گسترش دانش سبب می شود از طریق ایجاد دسترسی بیشتر به فرصت های اشتغال، شرایط زندگی بهتر ایجاد شود. علاوه بر آن، تحصیل و امتیاز علمی فرد سبب گسترش دامنه آگاهی او نسبت به مسایل موجود در جامعه شده، این امر نقش به سزایی در اتخاذ تصمیم دارد. به عبارت دیگر افزایش سطح تحصیلات فرد سبب اتخاذ تصمیم درست، منطقی و آگاهانه و منطبق با نیاز و ضرورت موجود در جامعه شده و تأثیر زیادی در حفظ و بقای نظام سیاسی ایفا می کند (عیوضی و رضانی، ۱۳۸۹: ۵۳).^۲

در بین پنج رییس دولت جمهوری اسلامی ایران سه نفر روحانی و دارای تحصیلات حوزوی (سید محمد خاتمی و حسن روحانی علاوه بر تحصیلات حوزوی دارای تحصیلات دانشگاهی هم می باشند) و دو نفر دارای تحصیلات دانشگاهی (میرحسین موسوی در سطح کارشناسی ارشد و محمود احمدی نژاد در سطح دکتری) می باشند. می توان گفت روحانیون در صدر اداره دولت های بعد از انقلاب اسلامی ایران قرار داشته اند.

در جدول زیر به بررسی سطح تحصیلات هیأت وزیران ایران در فاصله سالهای ۱۳۶۰ - ۱۳۹۸ می پردازیم:

جدول شماره ۴: مقایسه سطح تحصیلات هیأت وزیران جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۰ - ۱۳۹۸)

سطح تحصیلات	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	نهم	دهم	یازدهم	دوازدهم	جمع
حوزوی	۴	۳	۴	۲	۵	۳	۲	۲	۳	۱	۲۹
دیپلم	۱	۱	۱	۱	۱	-	-	-	-	-	۵
کاردانی	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
کارشناسی	۶	۴	۷	۸	۵	۴	۱	۱	۲	۱	۳۹
ارشد	۷	۶	۵	۶	۵	۸	۱۴	۷	۴	۷	۶۹
دکتری	۱۰	۸	۴	۵	۸	۶	۱۲	۱۴	۱۱	۱۰	۸۸
پزشکی	۴	۳	۴	۲	۲	۲	۱	۲	۲	۲	۲۴
نامشخص	۲	۲	-	-	۱	۱	۱	-	-	۱	۸

براساس جدول بالا می توان گفت، بیشترین سطح تحصیلات عالی (کارشناسی ارشد، دکتری و پزشکی) مربوط به دولت های نهم (۸۷/۰۹)، دهم (۸۸/۴۶)، یازدهم (۸۱/۸۱)، و دوازدهم (۸۴/۰۸) و کمترین آن مربوط به دولت پنجم (۵۲ درصد) بوده است. بررسی سطح تحصیلات هیأت وزیران جمهوری اسلامی ایران نشان دهنده سیر صعودی در این رابطه می باشد. از جمله دلایل این امر را می توان ناشی از این موضوع دانست که بعد از انقلاب اسلامی به تدریج درصد افراد تحصیل کرده و باسواد در جامعه افزایش یافته است که به همان اندازه تأثیر آن را در سطح تحصیلات هیأت وزیران شاهد هستیم.

علاوه بر آن برخی از وزرا دارای تحصیلات حوزوی بوده اند. بر این اساس بیشترین میزان آن مربوط به کابینه هفتم با ۱۸/۵۱ درصد و کمترین آن مربوط به کابینه دوازدهم است که در آن تنها یک نفر دارای تحصیلات حوزوی است. سید محمود علوی در دولت های یازدهم و دوازدهم علاوه بر تحصیلات حوزوی دارای تحصیلات دانشگاهی در مقطع دکتری است. همچنین در دولت سوم و چهارم نیز سید محمد خاتمی علاوه بر تحصیلات حوزوی، دارای تحصیلات دانشگاهی در مقطع کارشناسی ارشد است. در مجموع از کل وزیران در این ده دولت جمهوری اسلامی ایران ۱۱/۰۶ درصد دارای تحصیلات حوزوی بوده اند. در یک بررسی مقایسه ای از دولت های بعد از انقلاب می توان از لحاظ سطح تحصیلات می توان گفت در بین وزیران جمهوری اسلامی ایران در فاصله این سالها، ۱۱/۴۳ درصد در دولت میرحسین موسوی از مجموع دو دولت او، ۱۲/۱۶ درصد در دولت هاشمی رفسنجانی، ۱۵/۵۰ درصد در دولت سید محمد خاتمی، ۷/۰۷ درصد در دولت محمود احمدی نژاد و ۹/۰۸ درصد در دولت حسن روحانی از تحصیلات حوزوی برخوردار بوده اند که بر این اساس بیشترین آن مربوط به دولت سید محمد خاتمی و کمترین آن در دولت محمود احمدی نژاد است.

در ارتباط با سطح تحصیلات دیپلم تا کارشناسی هیأت وزیران در این چهار دهه انقلاب اسلامی ایران می توان گفت در دولت میرحسین موسوی از مجموع دو دوره او ۱۹/۵۴ درصد وزرا دارای سطح تحصیلات در مقطع دیپلم تا کارشناسی بودند که این میزان در دولت هاشمی رفسنجانی ۳۴/۷۵ درصد، دولت سید محمد خاتمی ۱۹/۴۴ درصد، محمود احمدی نژاد ۳/۵۳ درصد و حسن روحانی ۶/۸۱ درصد بوده است.

بنابراین می توان گفت با گذشت زمان این درصد به میزان چشمگیری کاهش پیدا کرده است.

همچنین سطح تحصیلات عالی (کارشناسی ارشد - دکتری، پزشکی) هیأت وزیران، در دولت میر حسین موسوی ۶۲/۳۶ درصد، دولت هاشمی رفسنجانی ۵۳/۰۸ درصد، سید محمد خاتمی ۶۱/۱۰ درصد، محمود احمدی نژاد ۸۷/۷۷ درصد و دولت حسن روحانی ۸۱/۸۱ درصد بوده است. بیشترین میزان تحصیلات عالی وزرا مربوط به دوران ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد است که از مجموع وزرای دو دولت او ۸۷/۷۷ درصد وزرا از تحصیلات عالی برخوردار بوده اند که بیشترین میزان در سالهای بعد از انقلاب را شامل می شود و کمترین آن مربوط به دولت هاشمی ۵۳/۰۸ درصد از مجموع دو دولت او است.

۳-۶. رشته تحصیلی (تخصص) هیأت دولت جمهوری اسلامی ایران

یکی دیگر از معیارهایی که بر اساس آن می توانیم به بررسی پایگاه اجتماعی پردازیم، رشته تحصیلی و یا به عبارتی نوع تخصص نخبگان و تصمیم گیرندگان جمهوری اسلامی ایران در سطح هیأت دولت است؛ با بررسی این امر می توان به این نکته پی برد که در طی سالهای بعد از انقلاب نخبگان و تصمیم گیرندگان ایران در قوه مجریه بیشتر از چه حوزه ها و رشته هایی بودند. بررسی ها حکایت از آن دارد که مدیران متخصص، در پیشبرد اهداف سازمانی خود موفق تر عمل می کنند. بیشتر این محققان تخصص را به عنوان یکی از مهم ترین شاخصهای تعیین کننده کاردانی مدیر معرفی می کنند (رسول زاده، ۱۳۷۸). عباس زاده میر محمد. مسایلی در مدیریت دولتی ایران. چاپ اول. جهاد دانشگاهی ارومیه. دانشگاه ارومیه.

براین اساس ابتدا به بررسی رشته تحصیلی رؤسای دولت های بعد از انقلاب می پردازیم. بررسی ها نشان دهنده آن است که از بین پنج رییس دولت، سه نفر از تحصیلات حوزوی برخوردار بودند؛ سید محمد خاتمی علاوه بر تخصص حوزوی، در رشته علوم تربیتی تحصیل نموده است. حسن روحانی نیز علاوه بر تحصیلات حوزوی در رشته حقوق تا مقطع دکتری ادامه داده است. همچنین تحصیلات میرحسین موسوی و محمود احمدی نژاد در حوزه فنی مهندسی بوده است. با بررسی تخصص رؤسای دولت ها می توان گفت؛ در سالهای بعد از انقلاب کمتر از افرادی که در رشته های علوم انسانی از تخصص برخوردار هستند استفاده شده است که با توجه به اهمیت این

حوزه از علم در شناخت جامعه، انسان و نیازهای او، استفاده از افرادی که در این حوزه از تخصص لازم برخوردار باشند، در رأس ساختار تصمیم گیری و تصمیم سازی از اهمیت دوچندانی برخوردار می شود. همچنین بررسی رشته تحصیلی رؤسای بعد از انقلاب نشان دهنده تمایل مردم به انتخاب روحانیون به منظور اداره امور و تصدی پست ریاست جمهوری است. در ادامه به بررسی رشته تحصیلی وزرای دولت های بعد از انقلاب اسلامی میپردازیم:

جدول شماره ۵: مقایسه رشته تحصیلی (نوع تخصص) هیأت وزیران ایران (۱۳۶۰ - ۱۳۹۸)

رشته تحصیلی	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	نهم	دهم	یازدهم	دوازدهم	جمع
فنی مهندسی	۱۲	۹	۱۲	۱۴	۱۰	۱۰	۹	۹	۶	۴	۹۵
پزشکی	۴	۳	۴	۲	۲	۲	۱	۲	۲	۲	۲۴
کشاورزی	۱	۲	۱	۱	۱	۱	-	۱	-	۱	۹
مدیریت و اقتصاد	۴	۴	۲	۱	۳	۳	۱۳	۸	۸	۸	۵۴
حقوق و علوم سیاسی	۲	۱	-	۱	-	-	۳	۲	۲	۳	۱۴
سایر رشته های علوم انسانی	۴	۲	۲	۳	۵	۴	۲	۲	۱	۲	۲۷
حوزوی	۴	۳	۴	۲	۵	۳	۲	۲	۳	۱	۲۹
نامشخص	۳	۳	-	-	۱	۱	۱	-	-	۱	۱۰

براساس جدول فوق در دوران نخست وزیری میرحسین موسوی میانگین وزرای دعوت شده به کابینه در درجه اول شامل افرادی است که دارای رشته تحصیلی فنی مهندسی بوده اند که ۳۴/۳۱ درصد وزرا را شامل می شود. بعد از آن وزیران دارای تحصیلات در حوزه علوم انسانی با نسبت ۱۷/۳۱ در اکثریت قرار دارند. مرتبه بعدی از اکثریت به ترتیب شامل وزیران در رشته های مدیریت و اقتصاد و پزشکی با نسبت ۱۳/۲۸ و ۱۱/۴۳ درصد است.

در دوران هشت ساله ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی، میانگین وزرای دعوت شده به کابینه در درجه اول شامل افرادی است که دارای رشته تحصیلی فنی مهندسی هستند

با نسبت ۵۳/۱۶ درصد. مراتب بعدی از اکثریت در کابینه های پنجم و ششم به صورت برابر شامل گروه وزیران دارای تحصیلات حوزوی و پزشکی با نسبت ۱۲/۱۵ درصد است. پس از آن رجال دارای تحصیلات دانشگاهی علوم انسانی ۸/۲۲، مدیریت و اقتصاد ۶/۰۸ درصد و کشاورزی ۴/۰۸ در اکثریت قرار دارند (عیوضی و رضانی، ۱۳۸۹: ۵۸).

در کابینه های نهم و دهم (محمود احمدی نژاد) درصد وزرای دارای تحصیلات فنی مهندسی ۳۱/۸۲ بوده است که نسبت به دوره های قبل این میزان کاهش داشته است. در این دوره اکثریت با وزرای است که از تحصیلات در رشته مدیریت و اقتصاد برخوردار بوده اند با نسبت ۳۶/۳۴ درصد و پس از آن وزرای دارای تحصیلات علوم انسانی با نسبت ۱۵/۷۵ درصد در اکثریت قرار دارند.

در دوران ریاست جمهوری حسن روحانی نیز ۲۲/۷۲ درصد وزرا از تحصیلات فنی مهندسی، ۳۶/۳۶ درصد مدیریت و اقتصاد و ۱۸/۱۷ درصد از تحصیلات در حوزه علوم انسانی برخوردار بوده اند. بنابراین تجزیه و تحلیل داده های جدول فوق نشان دهنده این نکته است که با گذشت زمان از تعداد وزرای دارای تخصص فنی مهندسی در ترکیب کابینه کاسته شده است تا جایی که در دولت روحانی به کمترین میزان نسبت به دوره های قبل رسید در مقابل وزرای دارای تحصیلات مدیریتی و رشته های علوم انسانی نسبت به قبل افزایش یافته است.

۳-۷. محل تحصیل هیأت دولت جمهوری اسلامی ایران

از جمله شاخصه های دیگری که در ارتباط با تحصیلات و امتیازات علمی هیأت دولت جمهوری اسلامی ایران می توان به آن اشاره نمود، شاخص محل تحصیل است. به عبارتی نوع محیط و فرهنگ و تمدنی که نخبگان در آن به کسب علم و دانش پرداخته اند نقش مهمی در شکل دهی به نگرش ها و ذهنیت آنان نسبت به مسائل و موضوعات دارد. در بررسی های صورت گرفته تمام رؤسای دولت های ایران بعد از انقلاب اسلامی در کشور ایران تحصیل نموده اند. در ادامه به بررسی محل تحصیل هیأت وزیران دولت های بعد از انقلاب از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۸ که شامل ده دولت است، می پردازیم. در جدول زیر محل تحصیل وزرای هر یک از دولت ها به تفکیک کشور محل تحصیل نشان داده شده است:

جدول شماره ۶ مقایسه محل تحصیل هیأت وزیران ایران (۱۳۶۰ - ۱۳۹۸)

جمع	دوازدهم	یازدهم	دهم	نهم	هشتم	هفتم	ششم	پنجم	چهارم	سوم	ایران
۱۹۱	۱۷	۱۶	۲۱	۲۷	۱۸	۲۰	۱۵	۱۷	۱۷	۲۳	ایران
۳۷	۲	۳	۱	۱	۱	۲	۷	۷	۶	۷	آمریکا
۴	۱	۱	-	۱	۱	-	-	-	-	-	کانادا
۷	-	-	۱	۱	۱	۱	۱	-	۱	۱	فرانسه
۱۰	۱	۲	۱	-	۲	۳	-	۱	-	-	انگلستان
۱	-	-	-	-	-	۱	-	-	-	-	اتریش
۱	-	-	-	-	۱	-	-	-	-	-	رومانی
۱	-	-	-	-	-	-	۱	-	-	-	هندوستان
۲	۱	-	۱	-	-	-	-	-	-	-	استرالیا
۱	-	-	۱	-	-	-	-	-	-	-	آلمان
۷	-	-	-	۱	-	-	-	-	۳	۳	نامشخص

براساس جدول فوق می توان گفت از مجموع ۲۶۲ وزیر که در فاصله سالهای ۱۳۶۰ - ۱۳۹۸ به وزارت رسیدند ۱۹۱ نفر یعنی ۷۲/۹۰ درصد وزرا در کشور ایران تحصیل نموده اند. پس از آن اکثریت با وزرایی است که تحصیل کرده کشور آمریکا هستند با نسبت ۳۷ وزیر که معادل ۱۴/۱۲ درصد وزرا را شامل می شود. اگر بخواهیم داده های بالا را در رابطه با هر یک از دولت ها مورد بررسی قرار دهیم می توان گفت یک سیر صعودی در تعداد وزرای تحصیل کرده در داخل ایران را در دولت های بعد از انقلاب شاهد هستیم. بر این اساس این میزان در دولت های سوم و چهارم (میر حسین موسوی)، ۵۸/۸۲ درصد، دولت های پنجم و ششم (هاشمی رفسنجانی)، ۶۵/۲۵ درصد، دولت سید محمد خاتمی ۷۴/۵۳ درصد، دولت محمود احمدی نژاد ۸۳/۹۲ و دولت های یازدهم و دوازدهم (حسن روحانی) ۷۴/۹۹ درصد بوده است؛ بدین ترتیب درصد وزرای تحصیل کرده در ایران در دولت های نهم و دهم (دوره ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد) به بالاترین میزان در سالهای بعد از انقلاب رسید. در مقابل از تعداد وزرایی که در کشورهای دیگر به ویژه آمریکا تحصیل نمودند کاهش یافت. واقع برخلاف قبل، سیر نزولی در استفاده از وزرایی که محل تحصیلشان کشورهای خارجی به ویژه آمریکا است را شاهد هستیم که از جمله دلایل این امر می توان به

رشد مراکز و مؤسسات آموزش عالی در ایران در زمینه تربیت نیروی انسانی متخصص و نخبه دانست این میزان در دولت های سوم و چهارم یعنی در دوره نخست وزیری میرحسین موسوی ۲۱/۴۰ درصد، دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی (دولت های پنجم و ششم)، ۲۸/۵۸ درصد، در دولت های سید محمد خاتمی ۵/۷۸، محمود احمدی نژاد ۳/۵۳ و حسن روحانی ۱۱/۳۶ درصد بوده است. براین اساس وزیاری که در کشور آمریکا تحصیل نمودند در بیشترین میزان مربوط به دولت هاشمی رفسنجانی (دولت های پنجم و ششم) و کمترین میزان مربوط به دولت محمود احمدی نژاد است. لازم به ذکر است که وزرای جمهوری اسلامی ایران علاوه بر آمریکا از تحصیل در سایر کشورها از جمله انگلستان، کانادا، فرانسه، و... برخوردار بودند که با توجه به کم بودن میزان آن و با توجه به اکثریت قرار داشتن تحصیل در آمریکا، تنها درصد تحصیل وزرا در کشور آمریکا مورد بررسی قرار گرفته است.

۳-۸. شغل اعضا هیأت دولت جمهوری اسلامی ایران

در جامعه شناسی سیاسی، وضعیت شغلی افراد یکی دیگر از پارامترهایی است که براساس آن می توان به گروه و منشأ اجتماعی نخبگان و تصمیم گیرندگان سیاسی پی برد؛ در واقع شغل و منبع درآمد در تعیین پایگاه و منشأ اجتماعی از اهمیت برخوردار است. اهمیت این موضوع از آن جهت است که شغل هر فرد میزان درآمد و نحوه زندگی او را تعیین می نماید. به عبارت دیگر با مطالعه شغل افراد می توان به میزان در آمد و تعلق طبقاتی آنان در جامعه پی برد. علاوه بر آن شغل هر فرد در میزان آگاهی او نسبت به مسائل و امور مختلف جامعه و به همان اندازه در اتخاذ تصمیم گیری ها از جانب نخبگان سیاسی تأثیرگذار است (عیوضی، رضوانی، پیشین: ۶۵-۶۶). بر این اساس در ادامه به بررسی شغل و منبع درآمد هیأت دولت جمهوری اسلامی ایران در فاصله سالهای ۱۳۶۰-۱۳۹۸ می پردازیم: نکته ای که در این جا می توان به آن اشاره نمود این است که در بررسی این شاخص شغل اصلی قبل از رسیدن به وزارت افراد مدنظر گرفته شده است، این امر جدای از سمت هایی است که افراد در سالهای قبل و بعد عهده دار آن شده اند. در واقع شغل اصلی افراد است که منبع درآمدی آنان را تعیین می کند.

بررسی شغل رؤسای دولتهای بعد از انقلاب نشان می دهد که از پنج رییس دولت، ۳ نفر روحانی، یک نفر هیأت علمی و یک نفر شاغل در وزارتخانه، مراکز و مؤسسات دولتی است.

در ارتباط با هیأت وزیران شغل آنان را در ۶ رده نظامی، هیأت علمی دانشگاه، بازاری و آزاد، پزشک، روحانی و کارمند وزارتخانه ها، مراکز و مؤسسات دولتی تقسیم نمودیم. که در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول شماره ۷: مقایسه شغل هیأت وزیران ایران (۱۳۶۰ - ۱۳۹۸)

جمع	دوازدهم	یازدهم	دهم	نهم	هشتم	هفتم	ششم	پنجم	چهارم	سوم	هیأت علمی دانشگاه
۶۶	۷	۱۰	۱۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۵	هیأت علمی دانشگاه
۲۷	۱	۲	۱	۲	۳	۵	۲	۴	۳	۴	روحانی
۳				-	-	-	-	-	۱	۲	بازاری و آزاد
۲۸	۱	۱	۶	۸	۲	۳	۳	۱	۲	۱	نظامی
۱۰۹	۱۱	۷	۶	۱۲	۱۰	۱۱	۱۲	۱۲	۱۴	۱۴	کارمند وزارتخانه، مراکز و مؤسسات دولتی
۲۴	۲	۲	۲	۱	۲	۲	۲	۴	۳	۴	پزشک
۵			-	-	-	-	-	-	۱	۴	نامشخص

بررسی های جدول فوق نشان دهنده این است، هیات دولت های بعد از انقلاب در شش گروه قرار می گیرند.^۳

اگر بخواهیم از دید جامعه شناسی سیاسی خاستگاه و پایگاه طبقاتی وزرا را مشخص نماییم، می توان گفت وزرای بعد از انقلاب متعلق به طبقه متوسط جامعه بوده اند. بر این اساس، هیأت علمی جزء (طبقه متوسط جدید)، روحانیون (طبقه متوسط سنتی)، نظامیان (طبقه متوسط جدید)، کارمند وزارتخانه، مراکز و مؤسسات دولتی (طبقه متوسط جدید)، پزشک (طبقه متوسط جدید) و بازار (طبقه متوسط سنتی) محسوب می شوند.

اگر بخواهیم هر یک از این شاخصه‌ها را به تفکیک رؤسای دولت‌های بعد از انقلاب مورد بررسی قرار دهیم، در دولت میر حسین موسوی از مجموع وزرای دعوت شده به کابینه، ۱۲/۹۰ درصد وزرا هیأت علمی دانشگاه، ۱۱/۴۳ درصد روحانی، ۴/۷۹ درصد بازاری، ۵/۱۷ درصد نظامی، ۴۶/۵۱ درصد کارمند و ۱۱/۴۳ درصد پزشک بوده‌اند. بر این اساس در این کابینه اکثریت با وزرای کارمند وزارتخانه و مراکز دولتی و هیأت علمی دانشگاه‌ها است. همچنین تنها در دوره نخست وزیری میر حسین موسوی از وزرای بازاری و آزاد در ترکیب دولت‌ها استفاده شده است.

در دولت هاشمی رفسنجانی نیز به ترتیب اکثریت ۴۹ درصد از وزرا کارمند، ۱۸/۴۱ درصد هیأت علمی، وزرای روحانی و پزشک با نسبت برابر ۱۲/۱۶ درصد و نظامیان ۸/۲۵ درصد بوده‌اند. در دولت سید محمد خاتمی ۴۱/۲۰ درصد وزرا کارمند، ۲۵/۶۹ درصد هیأت علمی، ۱۵/۵۰ درصد روحانی، ۹/۷۲ درصد نظامی و ۷/۸۶ درصد پزشک بوده‌اند.

در دولت‌های نهم و دهم نیز ۳۴/۰۵ درصد وزرا هیأت علمی، ۳۰/۸۸ درصد کارمند، ۲۴/۴۳ درصد نظامی، ۷/۰۷ درصد روحانی و ۵/۴۵ درصد وزرا پزشک بوده‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد در دولت‌های نهم و دهم به میزان بیشتری از وزرای نظامی نسبت به سایر دولت‌ها در ترکیب هیأت دولت استفاده شده است که بیشترین میزان مربوط به سالهای بعد از انقلاب اسلامی است و کمترین میزان حضور وزرای نظامی در ترکیب دولت‌ها مربوط به دولت حسن روحانی (دولت‌های یازدهم و دوازدهم) با نسبت ۵/۵۴ درصد بوده است. در دولت‌های یازدهم و دوازدهم همچنین ۴۰/۹۰ درصد وزرا کارمند، ۳۸/۶۳ درصد هیأت علمی، ۹/۰۹ درصد پزشک، ۶/۸۱ درصد روحانی بوده‌اند. اگر بخواهیم از مجموع کل وزرا به بررسی این موضوع بپردازیم، می‌توان گفت در فاصله سالهای ۱۳۶۰ - ۱۳۹۸ (۱۰ دولت جمهوری اسلامی ایران) از مجموع ۲۶۲ وزیر، به ترتیب اکثریت، ۴۱/۶۰ درصد وزرا کارمند وزارتخانه‌ها، مراکز و مؤسسات دولتی بوده‌اند. پس از آن ۲۵/۱۹ درصد از مجموع کل وزرا هیأت علمی، ۱۰/۶۸ درصد نظامی، ۱۰/۳۰ درصد روحانی و ۱/۱۴ درصد نظامی بوده‌اند. بدین ترتیب اکثریت با وزرای کارمند وزارتخانه، مراکز دولتی و هیأت علمی است و کمترین میزان مربوط به وزرای بازاری است.

با بررسی و تجزیه و تحلیل داده‌ها و نتایج حاصل از جدول بالا در ارتباط با شغل هیأت وزیران و رؤسای دولت‌های بعد از انقلاب می‌توان نتیجه گرفت تقریباً تمام

منابع درآمدی وزرای دولت های بعد از انقلاب از حقوق و درآمدهای دولتی بوده است و تنها ۱/۴۱ درصد مجموع وزرا بازاری و شغل آزاد داشته اند. همچنین علاوه بر این، اکثریت وزرا تجربه حضور در سمت ها و مناصب مهم دولتی از قبیل فرماندار، اساندار، نماینده مجلس، سفیر، و... را دارا بوده اند، می توان گفت تمامی این مشاغل دولتی است، اگر چه برخی از وزرا در کنار شغل اصلی خود به برخی مشاغل آزاد و همکاری با برخی مؤسسات خصوصی و غیردولتی نیز مشغول بوده اند، اما در این بررسی شغل اصلی و منبع اولیه درآمدی آنان مورد محاسبه قرار گرفته است.

۳-۹. شغل پدران اعضاء هیأت دولت جمهوری اسلامی ایران

از جمله موارد دیگری که در تعیین پایگاه اجتماعی نخبگان از اهمیت برخوردار است، شغل پدر است. شغل پدر معمولاً میزان درآمد خانواده و نحوه معیشت و دارایی آنان را تعیین می نماید (ازغندی، ۱۳۸۵: ۱۶۷). بر این اساس می توان گفت، سبک زندگی فرد در مراحل مختلف زندگی به ویژه در دوران کودکی، نوجوانی و جوانی نقش و تأثیر مهمی در شکل گیری عقاید و شخصیت فرد ایفا می نماید. برخورداری از سطح زندگی بالا به همراه امکانات رفاهی و زندگی مرفه در مقابل سبک زندگی پایین و متوسط هر کدام تأثیر خاص در شکل گیری عقاید هر فرد دارند و این عوامل می توانند در فرایند تصمیم گیری مؤثر باشند.

از دیدگاه نظریه پردازان کارکردگرا نحوه اجتماعی شدن، جامعه پذیری و شیوه زندگی هر فرد تأثیر به سزایی در شخصیت فرد و اتخاذ تصمیم گیری توسط او در آینده ایفا می کند. در واقع ساخت هاعوامل مؤثر اما غیرمشهودی هستند که در طی زمان و در اثر مناسبات اجتماعی شکل گرفته اند. به عبارتی افراد در زندگی خود متأثر از روند جامعه پذیری و جامعه پذیری سیاسی در قالب هایی خاص رفتار می کنند و براساس همین قالب ها، رفتار دیگران و خود را ارزیابی می کنند. این قالب ها که به مرور زمان شکل گرفته اند، تأثیر به سزایی در رفتار افراد در عرصه های گوناگون دارند (عیوضی، ۱۳۸۴: ۴۹). بر این اساس می توان گفت عوامل گوناگونی در فرایند تصمیم گیری از جانب نخبگان سیاسی تأثیر گذار می باشند، از جمله عوامل تأثیرگذار شغل پدر و میزان برخورداری از امکانات رفاهی به ویژه سبک زندگی در دوران رشد و شکل گیری شخصیت فرد است. در ادامه ابتدا شغل پدر پنج رئیس دولت بعد از انقلاب در فاصله سالهای ۱۳۶۰-۱۳۹۸ و سپس شغل پدر هیأت وزیران ایران در فاصله این سالها مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می گیرد:

از میان پنج رییس دولت دو نفر (میرحسین موسوی و هاشمی رفسنجانی) پدرشان تاجر و بازرگان، یک نفر (سیدمحمد خاتمی) روحانی، حسن روحانی (کاسب و بازاری) و محمود احمدی نژاد (آهنگر) بوده است. در جدول زیر شغل پدر هیأت وزیران به تفکیک دولت ها نشان داده است (نکته ای که در این ارتباط می توان به آن اشاره نمود این است، با توجه به نبودن اطلاعات کافی در ارتباط با این شاخص، تلاش شد با دسترسی به خود وزرا به اطلاعات مربوط به این شاخص دست پیدا کنیم، با این وجود به دلیل محدودیت های موجود در دسترسی به تمام وزرا تلاش شد از طریق وزرایی که به آنان دسترسی پیدا کردیم، اطلاعات مربوط به سایرین را پیدا نماییم. هر چند اکثریت وزرا از لحاظ شغل پدر مورد بررسی قرار گرفتند، با این وجود و به دلیل عدم همکاری برخی وزرا نتوانستیم به اطلاعات تعدادی در هر یک از دولت ها دست یابیم به همین دلیل وزرایی را که اطلاعات مربوط به شغل پدر آنان یافت نشد، در ذیل (نامشخص در ردیف آخر جدول) قرار دادیم:

جدول شماره ۸: مقایسه شغل پدر هیأت وزیران در دولت های بعد از انقلاب (۱۳۶۰ - ۱۳۹۸)

	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	نهم	دهم	یازدهم	دوازدهم	جمع
کارمند	۸	۸	۶	۴	۷	۸	۶	۲	۲	۴	۵۵
تاجر	۱	-	۳	۳	-	-	-	۱	۲	۱	۱۱
روحانی	۲	۲	۳	۵	۵	۵	۱	۱	۶	۴	۳۴
کاسب و بازاری	۷	۵	۷	۸	۵	۱	۶	۵	۳	۱	۴۸
پزشک	۱	۱	-	-	-	-	-	۱	-	-	۳
کارگر	۳	۳	۱	۲	۴	۳	۱	-	۲	۲	۲۱
کشاورز	۲	۲	۴	۱	۴	۵	۸	۵	-	۱	۳۲
نامشخص	۱۰	۶	۱	۱	۲	۲	۸	۱۱	۷	۹	۵۷

با توجه به تجزیه و تحلیل اطلاعات دریافتی از وزرا در ارتباط با شغل پدر آنان، می توان گفت در کابینه سوم و چهارم شغل پدر اکثریت وزرا به ترتیب ۲۶/۵۷ درصد کارمند، ۱۹/۵۴ درصد بازاری، ۹/۹۶ درصد کارگر، ۶/۶۴ درصد روحانی و کشاورز، ۳/۳۲ درصد پزشک و ۱/۴۷ درصد تاجر بوده است. در دولت های پنجم و ششم نیز شغل پدر وزرا به ترتیب اکثریت شامل: ۳۰/۷۵ درصد کاسب و بازاری، ۲۰/۸۳ درصد کارمند، ۱۶/۴۱ درصد روحانی، ۱۲/۲۵ درصد تاجر، ۱۰/۰۸ درصد کشاورز و ۶/۱۶ درصد کارگر بوده است. در دوران هشت ساله ریاست جمهوری سید محمد خاتمی،

۲۹/۶۲ درصد وزرا پدرشان کارمند، ۱۹/۶۷ درصد روحانی، ۱۷/۸۲ درصد کشاورز، ۱۳/۶۵ درصد کارگر و ۱۱/۳۳ درصد کاسب و بازاری بوده اند. این میزان در دولت های نهم و دهم به ۲۲/۵۱ درصد کشاورز، ۱۹/۲۹ درصد کاسبو بازاری، ۳۰/۵۳ درصد روحانی، ۱/۹۲ درصد تاجر و پزشک، ۱/۶۱ درصد کارگر بوده است. در زمان ریاست جمهوری حسن روحانی (دولت های یازدهم و دوازدهم)، ۲۲/۷۲ درصد شغل پدرشان روحانی، ۱۳/۶۳ درصد کارمند و ۹/۰۹ درصد کارگر بوده است.

می توان از نگاه جامعه شناسی سیاسی وزرا را از لحاظ طبقاتی به سه دسته طبقه بالا، متوسط و پایین طبقه بندی نمود. بر این اساس در این مقاله با توجه به شاخص هایی که برای تقسیم بندی شغل پدر وزرا در نظر گرفتیم، وزرایی که پدرشان تاجر و بازرگان بود را به عنوان طبقه بالا، وزرای دارای شغل پدر کارمند، روحانی، کاسب و بازاری و پزشک را به عنوان طبقه متوسط و وزرای دارای شغل پدر کارگری و کشاورزی را به عنوان طبقه پایین در نظر گرفته ایم. بر این اساس و با تجزیه و تحلیل داده های حاصل از جداول فوق می توان گفت اکثریت وزرای جمهوری اسلامی ایران از لحاظ طبقاتی متعلق به طبقه متوسط جامعه بوده اند که بیشترین میزان آن مربوط به دولت هاشمی رفسنجانی با ۶۷/۹۹ درصد و بعد از آن به ترتیب دولت سید محمد خاتمی ۶۰/۶۲ درصد، میر حسین موسوی ۵۶/۰۷ درصد، حسن روحانی ۴۵/۴۳ درصد و محمود احمدی نژاد ۳۸/۲۵ درصد بوده است. در دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی ۱۲/۲۵ درصد متعلق به طبقات بالای جامعه بوده اند که بیشترین میزان در دولت های بعد از انقلاب اسلامی است و کمترین آن متعلق به دولت های نهم و دهم (ریاست جمهوری احمدی نژاد) با نسبت ۱/۹۲ درصد است. وزرای متعلق به طبقات پایین در دولت های هفتم و هشتم (۳۱/۴۷) درصد و نهم و دهم ۲۴/۱۲ درصد در اکثریت قرار دارند.

۳-۱۰. محل تولد اعضاء هیأت دولت جمهوری اسلامی ایران

از جمله موارد دیگری که براساس آن می توان به تعیین پایگاه اجتماعی پرداخت، شاخص محل تولد است. محیط و مکانی که فرد در آن متولد می شود نقش مهمی در شکل گیری شخصیت و عقاید فرد و به همان اندازه تصمیمات اتخاذ شده توسط او در آینده ایفا می نماید. علاوه بر آن با تعیین محل تولد هر یک از وزرا و رؤسای دولت ها می توان به سهم هر یک از استان ها و قومیت های ایرانی در ترکیب هیأت دولت و اداره امور اجرایی کشور در رأس قوه مجریه پی برد. به همین منظور در ادامه با استفاده از دو معیار محل تولد به تفکیک استان و محل تولد براساس شهر و روستا به بررسی

پایگاه اجتماعی نخبگان سیاسی جمهوری اسلامی ایران در فاصله سال های ۱۳۶۰ - ۱۳۹۸ می پردازیم. از پنج رییس دولت ایران، میر حسین موسوی از استان (آذربایجان شرقی)، هاشمی رفسنجانی (کرمان)، سید محمد خاتمی (یزد)، محمود احمدی نژاد و حسن روحانی (سمنان) بوده اند. در ادامه محل تولد هیأت وزیران به تفکیک استان نشان داده شده است:

جدول شماره ۹: مقایسه محل تولد هیأت وزیران دولت های بعد از انقلاب به تفکیک دولت ها (۱۳۶۰ - ۱۳۹۸)

جمع	دوازدهم	یازدهم	دهم	نهم	هشتم	هفتم	ششم	پنجم	چهارم	سوم	
۱۵	۱	۲	-	-	-	۲	۳	۳	۲	۲	آذربایجان شرقی
۱۰	-	-	۲	۲	۲	۱	۱	۱	۱	-	آذربایجان غربی
۲	-	-	۱	-	-	۱	-	-	-	-	اردبیل
۴۷	۴	۳	۲	۳	۴	۵	۴	۹	۶	۷	اصفهان
۶۶	۵	۵	۳	۷	۶	۴	۷	۵	۱۱	۱۳	تهران
۱۵	۳	۲	۱	۱	۲	۲	۱	۱	-	۲	خراسان
۱۲	۱	-	۱	۲	۲	۱	۲	۱	۲	-	خوزستان
۴	-	۱	۱	-	-	۱	-	-	۱	-	سمنان
۱۶	۲	۱	۳	۴	۱	۲	۱	۱	-	۱	فارس
۲	-	-	-	۱	-	-	-	-	-	۱	قزوین
۷	-	۳	۱	۱	-	-	-	-	۱	۱	قم
۵	-	-	۲	۱	۱	۱	-	-	-	-	کرمان
۹	۱	۱	-	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	کرمانشاه
۴	-	-	۲	۲	-	-	-	-	-	-	گلستان
۲	-	-	۱	-	۱	-	-	-	-	-	گیلان
۴	-	-	۱	-	-	۱	-	۱	-	-	لرستان
۱۰	۱	۱	۲	۲	-	-	-	-	۲	۲	مازندران
۴	-	۱	۱	۱	-	۱	-	-	-	-	مرکزی
۱۱	۱	۱	۱	-	۲	۲	-	-	۲	۲	همدان
۸	۱	-	-	-	۲	۲	-	۱	۱	۱	یزد
	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	زنجان
۲	-	-	-	-	-	-	-	-	۱	۱	نامشخص

تجزیه و تحلیل داده های جدول فوق نشان دهنده آن است که اکثریت وزیران جمهوری اسلامی ایران متعلق به استان ها بزرگ و پرجمعیت از جمله تهران، اصفهان، فارس، خراسان و... بوده اند. بر این اساس از مجموع ۲۶۲ وزیر کابینه های بعد از انقلاب، ۶۶ وزیر از استان تهران با نسبت ۲۵/۱۹ درصد مجموع وزرا، ۴۷ وزیر از استان اصفهان با نسبت ۱۷/۹۳ درصد، ۱۶ وزیر از استان فارس با نسبت ۶/۱۰ درصد از مجموع وزرا، پانزده وزیر به صورت برابر از استان های خراسان و آذربایجان شرقی بوده اند. در واقع بیش از نیمی از وزرای این ده دولت ایران یعنی معادل ۶۰/۶۶ درصد از این پنج استان بوده اند. پس از آن استان های همدان (۱۱وزیر)، مازندران و آذربایجان غربی به صورت برابر (۱۰ وزیر) و کرمانشاه با ۹ وزیر در اکثریت قرار دارند.

۱۱-۳. وابستگی قومی اعضای هیأت دولت جمهوری اسلامی ایران

در ارتباط با سهم قومیت ها در ترکیب کابینه ها می توان گفت اکثریت وزرای جمهوری اسلامی ایران از قوم فارس بوده اند. با توجه به اینکه این قومیت جمعیت قابل ملاحظه ای را در جمهوری اسلامی ایران تشکیل می دهد، در ترکیب وزرا نیز شامل اکثریت است.

کشور ایران از جمله کشورهایی است که از اقوام و اقلیت های گوناگونی از قبیل کرد، لر، ترک، عرب و... تشکیل شده است که با توجه به فراوانی آن ها در استان های مختلف و قرار گرفتن در نقاط مرزی اهمیت توجه به اقوام و اقلیت ها و تأمین خواسته ها و مطالبات آنان یک از موضوعات مهم است. با توجه به اهمیت بحث اقوام و قومیت ها در بررسی استان های محل تولد و سکونت وزرا براساس اکثریت غالب افراد آن استان به تفکیک میزان وزرای ترک، کرد، لر و عرب در دولت های بعد از انقلاب پرداخته ایم. بر این اساس می توان گفت از مجموع وزرای دولت های میر حسین موسوی، ۱۴/۷۸ درصد ترک (وزرایی که از استان های ترک نشین بودند مورد محاسبه قرار گرفتند. در انتخاب استان ها نیز استان هایی که اکثریت جمعیت آنان ترک بوده، مورد محاسبه قرار گرفته است، در ارتباط با سایر قومیت ها نیز مبنای محاسبه اکثریت قومیت آن استان مد نظر قرار گرفته شده است)، ۳/۳۲ درصد کرد و ۳/۷۰ درصد عرب بوده اند. در دوران هشت ساله ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی نیز ۱۲/۲۵ درصد مجموع وزرای دو کابینه او ترک، ۶/۱۶ درصد عرب، ترک و کرد به صورت برابر ۴/۰۸ درصد از کل کابینه را به خود اختصاص داده بودند. این میزان در

زمان سید محمد خاتمی به ۱۲/۵۷ درصد ترک، ۶/۰۱ درصد عرب، ۳/۹۳ درصد کرد و ۱/۸۵ درصد لر بوده‌اند. در دولت های نهم و دهم، ۱۲/۵۲ درصد مجموع وزرای دو کابینه از استان های ترک نشین، ۵/۱۴ عرب، ۳/۲۲ درصد کرد و ۱/۹۲ درصد از استان های لرنشین بوده اند. در دوران ریاست جمهوری حسن روحانی دولت های یازدهم و دوازدهم، ۱۱/۳۶ درصد ورا ترک، ۴/۵۴ از استان های کرد نشین و ۲/۲۷ درصد عرب بوده اند. با بررسی داده های فوق می توان به نتیجه رسید بعد از قومیت فارس، استان هایی که اکثریت جمعیت آنان ترک نشین بوده است، بیشترین میزان را در ترکیب هیأت دولت جمهوری اسلامی ایران داشته اند.

۳-۱۲. محل تولد هیأت دولت ایران به تفکیک شهر و روستا

از جمله موارد دیگری که از اهمیت زیادی در بررسی پایگاه اجتماعی برخوردار است، بررسی محل تولد نخبگان سیاسی از لحاظ خاستگاه شهری یا روستایی داشتن است. اهمیت این موضوع از آن جهت است که مکان تولد و زندگی فرد در نوع نگرش نخبگان تأثیرگذار است. در واقع ذهنیت و نوع مواجهه با مسائل و موضوعات نسبت به نوع و محیط رشد و پرورش افراد متفاوت است. در جدول زیر محل تولد هیأت وزیران ایران به تفکیک دولت ها از لحاظ خاستگاه شهری یا روستایی داشتن مورد بررسی قرار گرفته است:

جدول شماره ۱۱: مقایسه محل تولد هیأت وزیران ایران در دولت های بعد از انقلاب به تفکیک شهر و روستا (۱۳۶۸ - ۱۳۹۸)

	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	نهم	دهم	یازدهم	دوازدهم	جمع
شهر	۳۱	۲۳	۲۱	۲۱	۲۱	۱۸	۲۰	۱۸	۲۱	۲۱	۲۱۵
روستا	۲	۲	۴	۳	۶	۶	۱۰	۸	۱	۱	۴۳
نامشخص	۱	۲	-	-	-	-	۱	-	-	-	۴

با توجه به جدول فوق می توان گفت اکثریت وزرای جمهوری اسلامی ایران یعنی معادل ۸۲/۰۶ درصد خاستگاه شهری و ۱۶/۴۱ درصد خاستگاه روستایی داشته‌اند.

۴. نتیجه گیری

این مقاله به بررسی پایگاه اجتماعی اعضای هیات دولت در ایران در فاصله سالهای ۱۳۶۰ - ۱۳۹۸ پرداخته است. و اطلاعات مناسبی را درخصوص وزراء این دولتها

شامل: تجربه و سابقه وزارت، سن، جنسیت، میزان و سطح تحصیلات، نوع ارتباط رشته تخصصی و حوزه مدیریتی آنها، محل تحصیل، شغل و منبع درآمدی آنان، شغل پدر و منشا خانوادگی و طبقاتی نخبگان سیاسی ایران، محل تولد و سکونت و همچنین خاستگاه قومیتی این وزراء (شامل ۲۶۲ وزیر) را ارائه داده است. یافته های پژوهش حاکی از آن است که در فاصله این سالها ده دولت به ریاست یک نخست وزیر و چهار رئیس جمهور در ایران تشکیل گردید که یافته های این پژوهش درباره پایگاه اجتماعی آنان به شرح زیر است:

۱. استفاده از وزراء با تجربه طی چهاردهه گذشته وضعیت متغیری (و نه در حال رشد مستمر) داشته است بطوریکه هرچند در دهه اول انقلاب دولت با محدودیت هائی برای استفاده از نیروهای دارای تجربه وزارت مواجه بود اما روند استفاده از این نیروها در دولت چهارم نسبت به دولت سوم افزایش می یابد و این روند در دولت پنجم و ششم حفظ می گردد، اما در دوره های بعد استفاده از افراد با سابقه در کابینه ها نسبت به گذشته کاهش یافته است. به بیان دیگر در دولت موسوی مجموعاً ۲۹ نفر فاقد سابقه وزارت بودند که با توجه به شرایط زمانی و ابتدا انقلاب طبیعی محسوب می شد و در دولت هاشمی این رقم به ۲۱ نفر کاهش یافت و افراد با تجربه وزارت بیشتری وارد کابینه شدند. اما در سالهای بعد مجدداً این روند کاهش یافته در دولت پنجم و ششم خاتمی تعداد ۲۶ وزیر و در دولت های نهم و دهم احمدی نژاد ۴۷ وزیر و در دولت روحانی ۲۸ نفر فاقد تجربه وزارت بودند.

۲. از نظر سنی نیز وزراء عمدتاً در سنین ۴۵ تا ۵۵ سال بوده و از مجموع ۲۶۲ وزیر طی سالهای مذکور تعداد ۱۵۴

(حدود ۵۸ درصد) نفر بیش از ۴۵ سال و ۲۰۷ نفر بیش از ۴۰ سال سن دارند که نشان دهنده آن است که اکثر کابینه در اختیار میانسالان بوده است و هر چه از دوران دهه اول و تا حدی دهه دوم فاصله گرفته شده است دولتها پیرتر شده اند .

۳. از نظر سطح تحصیلات اعضاء هیات دولت ها نیز شاهد فراز و نشیب زیر می باشیم در حالی که تحصیلات کردگان دوره های کارشناسی ارشد و دکتری در دوران ریاست جمهوری آیه الله خامنه ای و نخست وزیری مهندس موسوی، ۳۲ نفر بودند اما این تعداد در دولت هاشمی به ۲۰ نفر کاهش یافت که نشان از کاهش معدل مدرک تحصیلی اعضاء کابینه در این دولت دارد. که این میانگین مدرکی در دولت خاتمی با اندکی افزایش به ۲۷ نفر و در دولت احمدی نژاد به رقم بالای ۴۷ نفر می رسید . اما

مجدداً در دولت روحانی این تعداد به ۳۲ نفر کاهش یافته است لذا این روند نشان دهنده روند نوسانی و سینوسی استفاده از تحصیل کردگان عالی در دولتهای بعد از انقلاب می باشد و استفاده از مدارک بالاتر و متخصصان برجسته در کابینه ها روند همواره در حال رشدی را نداشته است. .

۴. تحلیل سهم رشته ها و تخصص های تحصیلی در کابینه ها نیز حاکی از است که رشته های فنی و مهندسی که در دولت های موسوی و هاشمی و خاتمی سهم غالب را داشت در دولتهای احمدی نژاد و روحانی روند نزولی را داشته و تحصیل کردگان رشته های علوم انسانی در دولت های مذکور بیشترین کرسی های وزارت را بخود اختصاص داده اند. که در بین این رشته های علوم انسانی نیز گرایش مدیریت و اقتصاد بیشترین تعداد دارندگان مدرک را در بین اعضا کابینه های دولت نهم تا دوازدهم دارد. اما آنچه که می تواند این آمار را تکمیل کند کیفیت تحصیلات وزراء است که رابطه تخصص و کارآمدی آنها را می تواند تحلیل کند. می تواند با استفاده از دانشگاه محل تحصیل و شیوه تحصیل (مانند استفاده از برخی رانت ها برای گرفتن مدرک و نوع حضور در کلاس و یا تحصیل از طریق مجازی و یا از راه دور مانند پیام نور و دانشگاه آزاد و....) و همچنین زمان تحصیل (همزمان با وزارت و کار اجرایی و یا قبل از گرفتن پستها های اجرایی) می تواند ارزیابی شده و نتایج این پژوهش را ارتقا دهد.

۵. محل تحصیل اعضاء هیأت دولت نیز نشان می دهد که اکثر وزراء تحصیل کردگان ایران بوده اند و تعداد تحصیل کردگان خارج از کشور در دوران خاتمی به بعد روند نزولی داشته است. که در این راستا در دولت احمدی نژاد نیز این روند با شدت بیشتر و در دولت روحانی با شدت کمتری ادامه یافت که این امر تا حدی ناشی از گسترش تحصیلات تکمیلی در ایران می باشد. .

۶. در مجموع می توان گفت سهم طبقه متوسط در کابینه ها بتدریج افزایش یافته و درسالهای بعد تثبیت شده است در این خصوص از نظر شغل که می تواند گویای طبقه و شأن اجتماعی باشد می توان گفت اکثر وزراء دارای شغل دولتی بوده و از نیروهای کارکنان وزارتخانه های دولتی بوده اند و در مرحله بعد هیأت علمی بوده اند. هر چند در دولت نهم و دهم سهم نظامیان نیز در کابینه افزایش یافت. بعبارت دیگر تقریباً تمام منابع درآمدی اکثر وزرای دولت های بعد از انقلاب از حقوق و درآمدهای دولتی بوده است.

۸. همچنین در حالی که شغل پدران اکثر وزراء، در دولت های موسوی و هاشمی راکارمندان و بازاریان تشکیل می دادند که نشان دهنده حضور وزراء در خانواده هائی از طبقه متوسط بود این روند در دولت خاتمی کمی به نفع وزرائی با منشأ خانوادگی کارگری و کشاورز تعدیل شد و در دوران احمدی نژاد روند حضور وزراء دارای خانواده کشاورز تشدید شد اما در دولت روحانی اکثر وزراء از خانواده های روحانی و یابازاری و در مرحله بعد کارمندان دولتی می باشند .

۹. وضعیت حضور زنان در عرصه سیاسی نیز نشان دهنده آنست که نیمی از جمعیت کشور حضور مهمی در کابینه نداشته و تنها طی این مدت یک زن در دولت نهم بعنوان وزیر حضور پیدا کرد که وزارت ایشان نیز نا تمام ماند. هرچند برخی معاونان و مشاوران در دولتها نیز از زنان بوده اند اما در مجموع روند روبه رشد وثابتی را در این باره نمی توان مشاهده کرد.

۱۰. هرچند در بین پنج رییس دولت جمهوری اسلامی ایران سه نفر روحانی و دارای تحصیلات حوزوی می باشند. و می توان گفت روحانیون در صدر اداره دولت های بعد از انقلاب اسلامی ایران قرار داشته اند. اما حضور روحانیون نیز در کابینه ها روند رو به کاهشی را در دولت های بعد از انقلاب داشته است. و بتدریج این حضور کم رنگ تر شده است.

۱۱. هرچند تقریباً از تمام استان های کشور در ترکیب کابینه ها حضور داشته اند اما در این میان سهم استان های تهران، اصفهان. بیشتر از سایر استان ها بوده است. توزیع جغرافیائی وزراء نیز نشان می دهد که اکثر وزراء در دولت موسوی و هاشمی و خاتمی از تهران و اصفهان بوده اند که این روند در دولت های بعدی نیز ادامه دارد، هر چند تعداد محدودی وزیر نیز از استانهای دیگر مانند خوزستان، خراسان، فارس، قم و ... نیز در برخی دولتها حضور داشته اند .

۱۲. در ارتباط با سهم قومیت ها در ترکیب کابینه ها می توان گفت که هرچند در همه دولتها اقوام مختلف ایرانی حضور دارند اما سهم فارس ها و ترک ها در دولت های مختلف بیشتر است و بقیه اقوام عرب، کرد و لر بعد از آنها از نظر دستیابی به تعداد کرسی های وزارت قرار دارند.

کتابنامه

- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۵)، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران، تهران: قومس.
- بشیری، سعید و ازغندی، علیرضا (زمستان ۱۳۹۳)، «بررسی پایگاه اجتماعی وزیران دولت یازدهم جمهوری اسلامی ایران»، رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۲۹.
- پایگاه اطلاع‌رسانی دولت؛ به‌نشانی: <http://dolat.ir>
- پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری؛ به‌نشانی: <http://president.ir>
- دویرتی، جیمز و رابرت فالتز گراف (۱۳۷۶)، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه علی طیب‌نیا و وحید بزرگی، جلد دوم، تهران: قومس
- رابینز استیفن و تیموتی جاج (۱۳۹۷)، رفتار سازمانی، ترجمه مهدی زارع جلد ۱، نص.
- رستمی، ولی، موسی پور میثم (بهار ۱۳۹۰)، «تحلیل حقوقی اصل ۱۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص شرایط رییس‌جمهور، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۱، ص ۲۲۷.
- رسول‌زاده، میرمحمد. مسایلی در مدیریت دولتی ایران. چاپ اول. جهاد دانشگاهی ارومیه. دانشگاه ارومیه ۱۳۷۸
- سایت اطلاع‌رسانی شورای نگهبان؛ به‌نشانی: <http://www.shora-gc.ir>
- عیوضی، محمد رحیم (۱۳۸۴)، مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- عیوضی، محمدرحیم، رضانی، ملیحه (۱۳۸۹)، «بررسی پایگاه اجتماعی هیأت وزیران جمهوری اسلامی ایران»، راهبرد یاس.
- فوزی، یحیی، تحولات سیاسی اجتماعی ایران بعد از انقلاب، جلد دوم، تهران، عروج، ۱۳۸۴
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی، ترجمه محسن صبوری، چاپ سوم، تهران: نی.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛ به‌نشانی: <http://rc.majlis.ir>

پی‌نوشت

۱ تا قبل از سال ۱۳۶۸ و بازنگری صورت گرفته در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نخست‌وزیر در رأس امور اجرایی کشور قرار داشت، اما بعد از سال ۱۳۶۸ عنوان نخست‌وزیر کلاً حذف شد و رئیس‌جمهور به عنوان رئیس دولت، عهده دار امور اجرایی کشور در رأس قوه مجریه گردید.

۲ مقاله حاضر ادامه کار قبلی در ارتباط با بررسی پایگاه اجتماعی رجال سیاسی ایران است.

بررسی پایگاه اجتماعی هیأت دولت در جمهوری اسلامی ... ۵۵

۳ در مقاله بررسی پایگاه اجتماعی هیأت وزیران (۱۳۶۸-۱۳۹۸)، وزرایی که پزشک بوده اند با توجه به اینکه همگی آن ها هیأت علمی دانشگاه نیز بوده اند، جز هیأت علمی محاسبه شده بود، اما در این مقاله تفکیک صورت گرفت و وزرای پزشک، شغل اصلی آنان همان پزشکی محاسبه گردید.

